

## اتحاد، همبستگی و استمرار مبارزاتی کارگران چیت ری، سرمایه داران را به عقب نشانند!

می کنند و از پرداخت به موقع دستمزد کارگران امتناع می ورزند. مراکز تولید را در برخی موارد به کلی تعطیل و گروه گروه کارگران را از کار بیکار می کنند و در مواردی دیگر این مراکز را به حالت نیمه تعطیل در می آورند. کارگران را در حالت بلاتکلیفی نگاه می دارند و به طرق مختلف آنقدر به آنها فشار می آورند تا به باز خرید اجباری و ترک کار رضایت دهند و یا با انعقاد قراردادهای موقت که اکنون حتی به ۸۹ روز هم نمی رسد و به قراردادهای ماهانه و کمتر از آن تبدیل شده است، به خشن ترین شکلی کارگران را استثمار کنند. دولت نیز که یکی از پایمال

صفحه ۳

شرایط غیر انسانی و دشواری که از سوی کارفرمایان و سرمایه داران بر کارگران تحمیل شده است، حقیقتاً بسیار حاد و طاقت فرساست. زورگویی و اجحاف سرمایه داران از حد و اندازه گذشته است. روند اخراج و بیکار سازی کارگران، همچنان ادامه دارد. در حالی که صف بیکاران هر روز متورم تر شده است اکثریت بسیار عظیمی از کارگران دائماً نگران ازدست دادن شغل خویشانند. هیچگونه ضمانت شغلی وجود ندارد. در بسیاری از کارخانه ها موسسات تولیدی، سرمایه داران، مدیران، کارفرمایان به بهانه های مختلفی از قبیل ضرردهی، ورشکستگی، کمبود نقدینگی و امثال آن، حقوق و مزایای کارگران را بلوکه

## نتایج اقتصادی انتخاب مجدد خاتمی

هنوز کمی به انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده بود که بانک جهانی اعلام کرد با پرداخت ۷۰۰ میلیون دلار وام به جمهوری اسلامی موافقت کرده است. چند روز بعد در خبرها آمد که دویچه بانک آلمان یک وام ۷۵۰ میلیون دلاری را به نیابت از ۲۰ بانک اروپایی به ایران می پردازد. سپس اعلام شد هیاتی از کارشناسان بانک جهانی بعد از انتخابات به ایران خواهند آمد. در گرماگرم تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، ساخت و پاختها در پشت پرده صورت گرفته بود. وقتی مشخص شده بود خاتمی برای بار دوم به ریاست جمهوری خواهد رسید و "اصلاح طلبان" به منظور ترغیب مردم به شرکت در انتخابات و بالا بردن کل آراء و لذا درصد آرای خاتمی، قلم فرسائی می کردند، در حوزه مسائل اقتصادی، به سرعت تصمیماتی اتخاذ می شد. طی مدت کوتاهی بانک مرکزی با تبدیل ۲ موسسه اعتباری به بانک خصوصی به عنوان پیش درآمد خصوصی سازی بانکها موافقت نمود و مدیر عامل "سازمان خصوصی سازی" که برای واگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی شکل گرفته اعلام کرد از بیش از هزار شرکت دولتی، ۷۳۴ شرکت آماده واگذاری به بخش خصوصی هستند که به زودی از طریق بورس یا مزایده واگذار خواهد شد. ۸۶ شرکت منحل می شوند و ۲۱۷ تا در اختیار دولت باقی میمانند. همچنین اعلام شد معادل نیمی از مازاد درآمد ارزی حاصل از فروش نفت، یعنی حدود ۳ میلیارد دلار به شکل تسهیلات ارزی در اختیار بخش خصوصی قرار میگیرد تا در این بخش تحرک به وجود آید. در گرماگرم انتخابات، مجلس شورای اسلامی نیز طرح هائی برای رفع موانع قانونی "آزادسازی اقتصادی" به تصویب رساند. به جز طرح "تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی" - که در مجلس تصویب و به شورای

صفحه ۲



### سیمای واقعی

### دمکراسی

### بورژوائی سوئد

### در روزهای ژوئن

صفحه ۸

## امر فرمودند، مانعی ندارد، اصلاح شود!

جویا شود. مرتباً گزارش جلسات هیئت دولت را به عرض رهبر برساند و در مورد مسائل مهم نظری را جویا شود. مجلس ارتجاع اسلامی هم وضعیت مشابهی دارد و از این بابت تا مجلس ششم، معضلی در مناسبات رهبر و مجلس فرمایشی اش وجود نداشت. اما در مجلس ششم که تضادهای درونی رژیم به شدت حاد شده است، جناح اکثریت دچار این توهم شد که می تواند به نام "نمایندگان منتخب ملت"، در همان چارچوب قانون اساسی حکومت اسلامی "استقلال رای" از خود نشان دهد. هیاهویی به راه افتاد که "اصلاح طلبان" می خواهند فتح الفتوح کنند و قانون مطبوعات

صفحه ۶

در جمهوری اسلامی همه چیز فرمایشی ست. این راهمه می دانند که ولی فقیه، حاکم مطلق العنان است و همه نهادها و ارگان های جمهوری اسلامی تحت امر او هستند. اوست که اراده می کند، منصوب می کند، معزول می نماید، امرونی می کند، تصویب و تائید می کند و همه سران و دست اندرکاران حکومت اسلامی فرمانبردار او هستند. تنها گماشتگان مستقیم ولی فقیه نیستند که باید مجری اوامر وی باشند، بلکه ارگانها و نهاد هائی که ظاهراً انتخابی اند، آنها نیز فرمانبردار وی هستند. آقای رئیس جمهور خود را موظف می داند قبل از هر چیز سیاست های خود را به تصویب رهبر برساند، نظر رهبر را در مورد اعضای کابینه

## وحشی گری جدید حکومت اسلامی

صفحه ۷

### در این شماره

- ۵ گزیده ای از نامه های رسیده
- ۴ (شورش نه، گام های سنجیده)
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعیه ها
- ۷ و بیانیه های سازمان

## نتایج اقتصادی

### انتخاب مجدد خاتمی

فرموله می‌کند. این طرح، به صدها قانون و طرح دیگری افزوده می‌شود که ادارات، کارخانجات، دانشگاهها و سایر موسسات را موظف می‌کنند درصدی از سهمیه خود را به بازماندگان کشته شدگان جنگ ارتجاعی، معلولات جنگی، اسرای آزاد شده و غیره اختصاص دهند. بنابراین حکومت اسلامی نه می‌تواند از نیروهای سرکوب و هزینه‌های آن بکاهد و نه از عرض و طول دستگاه بورکراسی کم کند، بلکه بنا به خصلت انگلی و مداخله‌گر و سرکوبگرش مدام این دستگاه را گسترش می‌دهد و بالنتیجه، هرآنچه نیز به سطح زندگی کارگران و زحمتکشانش فشار بیاورد، بر مخارج بورکراسی و دستگاه سرکوب می‌افزاید. عامل مهم دیگر درناکامی این سیاست در ایران، وابستگی اقتصاد به درآمد نفت است. دولت که صادرات نفت و لذا ارز حاصل از آن را در اختیار دارد، به این سبب نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد ایفا می‌کند. دولت می‌تواند با چگونگی تخصیص ارز حاصل از فروش نفت به بخش‌های مختلف اقتصاد، برفعالیت اقتصادی جامعه تأثیر بگذارد. بخش اعظم درآمد دولت نیز ناشی از فروش نفت است. قیمت نفت و در نتیجه درآمد دولت از فروش آن نیز تابعی از بازار جهانی است. هرنوسانی در قیمت نفت، به ناگزیر محاسبات درآمد دولت را به هم می‌ریزد. چپ اسکناس بدون پشتوانه، تقریباً همیشه راه حل دولت برای مقابله با کسر بودجه به طور اعم و کسر بودجه ناشی از کاهش درآمد نفت به طور اخص بوده است و نتیجه بلا-واسطه آن افزایش تورم.

گفته می‌شود واگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی، علاوه بر اینکه سبب می‌شود این موسسات تحت نظارت بخش خصوصی بهتر و اقتصادی‌تر اداره شوند، درآمد کلانی برای دولت دربر خواهد داشت که می‌تواند صرف هزینه‌های دولت در بخش‌های دیگر شود. تجربه واگذاری موسسات دولتی ایران به بخش خصوصی در ۱۲ سال گذشته نشان داد که دولت از بابت واگذاری آنها درآمدی به دست نیاورده است. تکنوکرات‌هایی که طی این سالها، بر درآمد هنگفت نفت و منابع ارزی کشور تکیه زده و فریب شده‌اند، یا خود این واحدها را تصاحب می‌کنند، یا آنها را با نازلترین بهاء در اختیار اقوام و نزدیکان خود قرار می‌دهند. در تضاد میان جناح‌ها، یکی از موارد افشاگری علیه رفسنجانی این بود که طی دوران ریاست جمهوری او، برخی موسسات دولتی حتی با ۲۰ درصد بهای واقعی به اقوام و نزدیکان واگذار شده‌اند، کارا تر شدن موسسات واگذار شده نیز نیازی به بحث چندانی ندارد. کارخانه‌های نساجی که طی سالهای گذشته واگذار شده‌اند، یک نمونه می‌تواند باشد. مقامات رژیم اذعان می‌کنند در موارد بسیاری، سرمایه‌دار خصوصی برای آنکه از "شر" کارگران کارخانه رها شود، ترجیح داده ارزی را که برای راه اندازی تولید گرفته، از کشور خارج کند و با فروش ماشین آلات کارخانه، زمین آن را برای ساختن مجتمع‌های آپارتمانی یا برج‌های ساختمانی استفاده کند. در اینجا باید به یک نکته هم در ارتباط با بخشی از اقتصاد ایران اشاره کرد که نه دولت و نه ارگان دیگری کنترل و نظارتی بر آن ندارد. تکیه زندگان بر این ارگانها به هیچ مرجعی پاسخگو نیستند. در نتیجه یک سیاست عمومی نمی‌تواند شامل آنها شود. سخن از بنیادهای گوناگون است. گفته می‌شود بنیاد مستضعفان به تنهایی ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی

های دولتی، که قدرت رقابت با محصولات خارجی را نداشته‌اند، یکی پس از دیگری ورشکست شدند. در اواسط دوره دوم ریاست جمهوری رفسنجانی، سقوط ارزش ریال و افزایش نرخ تورم تا ۵۰ درصد، کار را به جایی رساند که با فرمان مستقیم خامنه‌ای، سیاست "تعدیل" عجلالتا کنار گذاشته شد، تثبیت نرخ ارز، ایجاد محدودیت مجدد بر سر راه کالاهای وارداتی، و برقراری مجدد برخی از سوبسیدها در دستور کار قرار گرفت. در دوران ریاست جمهوری خاتمی و به ویژه در نیمه دوم آن بود که دولت توانست مجدداً سیاست "تعدیل" را دنبال کند. برنامه سوم اقتصادی که در همین چهار چوب و به عنوان مکمل اقدامات دوران رفسنجانی به تصویب رسیده بود، علی‌رغم توافق سران حکومت بر اجرای آن، به سبب موانع عینی که از نظر سیاسی و اجتماعی بر سر راه آن وجود داشت، نتوانسته با زمان بندی از پیش تعیین شده به اجرا در آید. بزرگترین مانع بر سر اجرای سیاست "آزادسازی" به شکلی که در دیگر کشورهای پیرامونی اجرا شد، خود حکومت اسلامی است. اجرای این برنامه‌ها که محور آن بر بازگذاشتن تام و تمام دست سرمایه خصوصی داخلی و خارجی استوار است، در وهله نخست وجود امنیت و شرایط لازم برای گردش سرمایه است. جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته این شرایط را فراهم نماید. علی‌رغم این که لاقلاً از دوران رفسنجانی، جلب سرمایه خارجی و بازگذاشتن دست سرمایه خصوصی داخلی سیاست رسمی دولت است، اما هنوز سرمایه خارجی حاضر نیست جز در برخی زمینه‌ها و به ویژه اکتشاف نفت و گاز وارد عمل شود و سرمایه داخلی به تولید روی نمی‌آورد، چرا که سود کلان و قابل حصول در کوتاه مدت، در تجارت و دلالتی است.

یکی دیگر از پیش شرط‌های اجرای این سیاست، کوچک کردن جبهه دولت و پائین آوردن هزینه‌های دستگاه دولتی است. جمهوری اسلامی بنا به خصلت ارتجاعی و مذهبی خود، مدام بر عرض و طول دستگاه دولت که - بدون حس و زوائد مربوط به خصلت مذهبی دولت نیز انگلی برپیکر جامعه است - می‌افزاید. این حکومت می‌خواهد بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی و خصوصی مردم نظارت کند. این کار ابزار و ارگانهای خاص خود را می‌طلبد. از این رو مدام بر عرض و طول دستگاه‌های تفتیشی، مراقبتی، جاسوسی و سرکوب می‌افزاید. از پایان جنگ ایران و عراق، همواره صحبت از محدود کردن نیروی مزدور بسیج بود، حال با گسترش بیکاری و با رشد اعتراضات توده‌ای و بالنتیجه نیاز به نیروهای سرکوبگر، صحبت از آن است که نیروی بسیج در یکی دو سال آینده به ۱۰ میلیون تن افزایش یابد. هر روز گشت جدیدی به گشت‌های مامور آزار مردم و پلیس‌های ویژه افزوده می‌شود. در مورد بورکراسی دولتی نیز وضع بر همین منوال است. اکنون مدتهاست از ضرورت سبک کردن تنه دولت صحبت می‌شود، اما چته آن مدام سنگین تر می‌گردد. هفته گذشته مجلس شورای اسلامی، در همان جلسه‌ای که طرح سوبسیدها را به تصویب رساند تا از هزینه‌های دولت بکاهد، طرح دیگری را به تصویب رساند که امتیازات ویژه برای "فرزندان شاهد" را

نگهبان فرستاده شد و این شورا آن را برای برطرف کردن ایرادات به مجلس بازگرداند - طرح تاسیس بیمه خصوصی نیز در همین روزها در مجلس تصویب شد. همچنین طرح حذف سوبسید از کالاهای در شور اول تصویب شد. لایحه‌ای نیز برای کاهش و یا معافیت مالیاتی سرمایه‌داران در نوبت است که در آینده نزدیک در دستور کار گذاشته خواهد شد. مسئولان جمهوری اسلامی می‌گویند رژیم بیش از ۴ سال - یعنی به اندازه دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی - مهلت ندارد تا کلیه شرایط تعیین شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اجرا کند، بتواند همچون سایر کشورهای پیرامونی گردش سرمایه بین‌المللی را تسهیل نماید و به عضویت در سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود. به این منظور باید تمامی سوبسیدهای دولت بر کالاهای حذف شود، هزینه‌های دولت کاهش یابد و کسری بودجه به صفر برسد. تمامی موانع گمرکی ورود کالا برداشته شوند، موانع قانونی ورود سرمایه حذف شوند، قوانین حمایتی از صنایع داخلی یا کالاهای تولید داخل لغو شوند، بهداشت و درمان به بخش خصوصی واگذار شوند و قوانین و مقررات کار چنان تنظیم شوند که محدودیتی برای ساعات کار، تعیین دستمزد و اخراج ایجاد ننمایند. بنابراین موسسات تولیدی باید به نحوی سازمان یابند که قدرت رقابت در سطح جهانی را داشته باشند. وزیر اقتصاد رژیم تمام آنچه را باید در این زمینه انجام شود، در دو سه جمله برای سرمایه‌داران فرموله کرد و گفت: "صنعتگر ایرانی باید پیام مسئولان را گرفته باشد که الحاق به سازمان تجارت جهانی قریب‌الوقوع است و از هم‌اکنون باید به فکر آماده ساختن خود برای رقابت جهانی باشد. قیمت تمام شده و کیفیت باید قدرت رقابت در داخل و خارج را داشته باشد. توان بازاریابی شرکت‌های ما باید افزایش یابد. ساختار نیروی انسانی و مالی واحدها باید اصلاح شود. . . . در این دوره صنایعی که ماشین‌آلات قدیمی و ساختار نامناسب مالی و انسانی دارند و صنایع رانت جو، صنایع مشکل دار ما خواهند بود که باید خود را بهبود بخشند." طبق بر آورد کارشناسان اقتصادی رژیم، انجام این سیاست‌ها لاقلاً برای یک دوره انتقالی چند ساله به حدود ۴۰۰ درصد تورم منجر می‌شود که در خوشبینانه‌ترین حالات می‌توان آن را ۲۰۰ درصد ارزیابی نمود. طبق این برنامه، حدود ۲ میلیون از نیروی "مازاد" دستگاه دولتی، صنایع و شرکت‌های دولتی باید حذف گردند، و در اثر حذف هرگونه سوبسید، حدود ۴۰ درصد صنایع کشور نیز تعطیل خواهند شد. آنها می‌گویند این سختی‌ها را باید تحمل کرد تا پس از دوره‌ای، اوضاع اقتصادی بهبود یابد، اشتغال ایجاد شود و تورم مهار گردد. سیاست "آزادسازی" اقتصادی که اکنون با این شدت در دستور کار دولت قرار گرفته است، در واقع تداوم همان سیاستی است که تحت عنوان "تعدیل" اقتصادی با پایان جنگ ایران و عراق و با ریاست جمهوری رفسنجانی در دستور کار قرار گرفت. در آن سالها دهها هزار کارگر شغل خود را از دست دادند. کارخانه‌های واگذار شده به بخش خصوصی و نیز کارخانه

## اتحاد، همبستگی و استمرار مبارزاتی کارگران چیت ری، سرمایه داران را به عقب نشاند!

گرفته و مشکل فعلی کارگران ربی به بنیاد ندارد" او همچنین اضافه کرد که "بنیاد از لحاظ قانونی مجاز به مداخله در امور کارخانه نیست!"

بدین ترتیب، بنیاد مستضعفان که در اواخر سال ۷۹ وعده هائی به کارگران در زمینه رسیدگی به وضعیت آنها و رونق بخشیدن به کار تولید توسط صاحبان جدید کارخانه می داد و از این طریق کارگران را سر می دواند، اکنون به بهانه نداشتن اختیار قانونی، کارگران را از سر خود باز می گرد و سرنوشت ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه را که سالیان متمادی در آن مشغول به کار بوده اند در ابهام و ناروشتی فرومی برد. کارگران مبارزه چیت ری بارها و بارها به راهپیمائی اعتراض امیز دست زده بودند، در برابر کارخانه، اداره کل کار و امور اجتماعی، فرمانداری، شورای تأمین استان و دفتر بنیاد مستضعفان تجمع اعتراضی برپا کرده و همه جا خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده بودند، اما جز وعده های توخالی، پاسخ دیگری نگرفته بودند. سرمایه داران کماکان از پرداخت حقوق های عقب افتاده امتناع می کردند و کارگران را در حالت بلاتکلیفی و در معرض اخراج قراردادده بودند. اما کارگران تصمیم نداشتند ساکت شوند. کارگران برای دستیابی به مطالبات خود و برای راندن سرمایه داران راه دیگری جز ادامه و تشدید مبارزه نداشتند. دوشنبه بیست و یکم خرداد، کارگران چیت ری بار دیگر دست به اعتراض زدند و با برپائی تجمع اعتراضی در برابر دراصلی کارخانه، یک باردیگر خیابان فدائیان اسلام را بستند و مانع عبور و مرور وسائل نقلیه شدند. روز سه شنبه ۲۲ خرداد صدها تن از کارگران از صبح زود در برابر کارخانه تجمع کردند. آنگاه با حمل پلاکارد هائی به طرف مجلس دست به راهپیمائی زدند. کارگران چیت ری که خبر گزاریهائی رژیم شمار آنها را ۸۰۰ نفر اعلام کردند، بابرپائی یک تجمع اعتراضی در برابر مجلس خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. عمال رژیم کارگران مبارز را "ضدانقلاب" خواندند و رژیم ضد کارگری فوراً نیروهای سرکوب و ضد شورش خود را جهت ارباب و سرکوب کارگران به محل تجمع کارگران اعزام نمود. اما کارگران نه فقط ترسی به خود راه ندادند، بلکه استوار و مقاوم به مبارزه خویش ادامه دادند. تلاش نیروهای سرکوب برای متفرق ساختن کارگران به جانی نرسید. از ساعت ۳ بعدازظهر، کارگران شیفت بعدا از ظهر به رفقای کارگر خویش پیوستند.

۷۹ کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند و سپس با تجمع در برابر کارخانه، جاده شهیدرجائی را مسدود ساختند.

مبارزات کارگران چیت ری از اوائل سال جاری بازمه گسترده تر شد. کارگران مبارز چیت ری با استفاده از اشکال مختلف مبارزاتی، پیگیرانه به اعتراضات خود ادامه داده و قبل از هرچیز خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده و تضمین شغلی خود بودند. صاحبان جدید کارخانه، بیش از پیش کارگران را تحت فشار گذاشتند و ضمن بلوکه کردن حقوق و مزایای کارگران از اول سال جاری، برای اخراج صدها کارگر این کارخانه زمینه چینی می کردند. اما کارگران مصمم بودند به مبارزه خود علیه این زورگویی ها و تا تحقق مطالبات خویش ادامه دهند. روز نهم اردیبهشت ماه، صدها کارگر چیت ری در برابر این کارخانه یک تجمع اعتراضی برپا کردند و سپس به سمت فرمانداری شهر ری دست به راهپیمائی زدند. کارگران در این آکسیون اعتراضی اعلام کردند تا زمانیکه به مطالباتشان پاسخ داده نشود، به اقدامات و تجمعات اعتراضی ادامه خواهند داد. پس از هر اعتراض کارگری، سعی شد با وعده، کارگران را خاموش کنند. اما وعده و وعید برای کارگران آب و نان نمی شد و کارگران چیت ری خاموش نشدند. بیش از هزارتن از کارگران در ادامه مبارزات خود در اردیبهشت ماه، روزهای متوالی در برابر کارخانه تجمعات اعتراضی برپا کردند و برای چندمین بار با بستن خیابان فدائیان اسلام و ایجاد راهپیمان، صدای اعتراض خود را بلندتر کردند. مسئولین و دست اندرکاران وعده می دادند، و کارگران بی اعتنا به این وعده ها به مبارزه خود ادامه می دادند. ششم خردادماه، صدها تن از کارگران از ساعت هفت صبح، باردیگر در مقابل ساختمان مرکزی بنیاد مستضعفان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و تضمین شغلی شدند.

در جریان این اعتراض کارگری، مسئولین بنیاد مستضعفان این بار به صراحت از خود و از این بنیاد درقبال کارگران سلب مسئولیت نمودند. مدیرکل روابط عمومی بنیاد مستضعفان در این مورد گفت: "واگذاری کارخانه چیت ری به بخش خصوصی براساس قانون صورت

کنندگان اصلی حقوق کارگران است، همدوش و در حمایت از سایر کارفرمایان و سرمایه داران، در ادامه سیاست خصوصی سازی و واگذاری موسسات تولیدی، این روند و استمرار کارگران را تشدید نموده است.

با اینهمه و علیرغم این شرایط حاد و بسیار دشوارتحمیلی که تأثیرات بلاواسطه کاهنده ای بر قدرت چانه زنی کارگران می گذارد، کارگران ایران علی العموم نه فقط در برابرین تعرضات و زورگویی ها دست به مقاومت زده اند، بلکه برای احقاق حقوق خویش دست به اعتراض و مبارزه زده و در کارخانه ها و خیابان ها و جاده ها، به رویارویی آشکاربا سرمایه داران و دولت آنها برخاسته اند. کارگران به تجربه دریافته اند که ایستادن در برابر تعرض سرمایه داران و تحقق مطالبات شان جز از طریق تشدید و تداوم مبارزه، ممکن نیست. تجربه مبارزات کارگران به ویژه تجربه مبارزات کارگران چیت ری، نشان داد که حتی درشرایطی به آن درجه دشوار که جمهوری اسلامی بر کارگران تحمیل نموده است، کارگران با حفظ اتحاد و یک پارچگی خویش و با تشدید و استمرارمبارزه اعتراضی، قادرند سرمایه داران را عقب بنشانند و مطالبات خویش را متحقق سازند.

کارخانه چیت ری با حدود ۲۰۰۰ کارگر، سال هاست که زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرارداد دارد. بنیاد مستضعفان (یا همان بنیاد پهلوی سابق) که از قبیل غارت و چپاول دست-رنج کارگران، به یکی از موسسات انحصاری بزرگ جمهوری اسلامی تبدیل شده است، از مدتها قبل و در چارچوب سیاست خصوصی سازی دولت، موسسات و کارخانه های زیر پوشش خود را اکثرا به بهاء نازل به سرمایه داران بخش خصوصی واگذاری کند. این بنیاد عظیم صنعتی مالی که میزان واقعی سرمایه ها، املاک و سایر دارائی های آن و به ویژه سودهای هنگفت آن هیچگاه علنی نشده است و به جز برخی سران درجه اول رژیم و عناصر نزدیک به آنها که با رقم سازیها و تنظیم دفاتر مالی، منفقا مشغول بچاپ بچاپ اند، کسی از میزان دقیق این سرمایه ها و سودها خبری ندارد، اواخر سال ۷۹، به بهانه زیان دهی کارخانه چیت ری، این موسسه را به بخش خصوص واگذار نمود! البته پیش از آن نیز مدیریت کارخانه، به همین بهانه، پرداخت حقوق و مزایای کارگران را به تعویق می انداخت و از این زاویه کارگران را تحت فشار گذاشته بود.

واگذاری کارخانه چیت ری به بخش خصوصی که به هدف سلب مسئولیت بنیاد از پاسخگویی به اشتغال و آینده کارگران این کارخانه که هریک از ۱۳ تا ۲۷ سال در این واحد سابقه کار دارند، و به عبارتی به هدف تسریع درامر تعدیل و بیکار سازی کارگران انجام شد، با این وعده به کارگران توأم بود که صاحبان جدید کارخانه با سرمایه گذارپهای جدید به اوضاع تولید بهبود خواهند بخشید! اما کارگران چیت ری که نتایج سیاست خصوص سازی درمورد سایر مراکز تولیدی را شنیده و یا دیده بودند، به این وعده ها باور نداشتند و خواستار ضمانت شغلی خود بودند و از همان اواخر سال گذشته اعتراضات گسترده ای را آغاز کردند. به طور مشخص در سوم اسفند

### تجمع

### اعتراضی

### کارگران

### چیت ری



## اخبار کارگری جهان

### \*دوبی: اعتصاب کارگران مهاجر

درامات متحده عربی، نظیردیگرکشورهای حوزه خلیج فارس، هزاران کارگر مهاجر هندی و پاکستانی در اوج بی حقوقی و با ارزانترین دستمزدها به کار مشغولند. فقدان حداقل تشکل و ممنوعیت اتحادیه های کارگری شرایط غیر- انسانی را به این کارگران تحمیل نموده است. خودسری کارفرما تا به آن حد است که به رغم کار طاقت فرسای روزانه، که بعضا تا ۱۲ ساعت بالغ می گردد، دستمزدهای ناچیز کارگران هم تا مدتها به آنها پرداخت نمی شود. در همین رابطه روز ۲۲ ماه مه، صدها نفر از کارگران مهاجر هندی و پاکستانی در دوبی، که در پروژه های مختلف شرکت ساختمانی Bartawi مشغول به کار هستند، دست به اعتصاب زده و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود، که ماهانه تنها حدود ۲۰۰ دلار است، شدند. در این روز اعتصابیون در یکی از میادین شهر تجمع نموده و سپس به سمت سفارت هند و پاکستان دست به یک راه پیمائی زدند. در این حال، کارفرما از اقدام مستقل کارگران به وحشت افتاده و به فوریت اتوبوسهائی را برای انتقال کارگران به سفارت- های هند و پاکستان تهیه نموده و وعده دادند که در اسرع وقت تمام حقوق معوقه کارگران را پرداخت نمایند.

### \* کره جنوبی:

### یورش پلیس به تحصن کارگران

اواخر ماه مه، مدیریت مجتمع صنعتی Huosung واقع در شهر Ulsan، که یکی از بزرگترین تولید کنندگان نایلون در جهان می باشد، اعلام نمود که تعدادی از کارگران به بخشهای دیگر تولید انتقال خواهند یافت. این اقدام خوسرانه مدیریت در واقع آماده نمودن زمینهای لازم برای اخراج های دسته جمعی بود که با مخالفت یک پارچه کارگران مواجه شد. با مشاهده بی اعتنائی کارفرما، کارگران به سرعت دست به کار شده و روز ۲۸ ماه مه، بیش از ۵۰۰ کارگر، ساختمان اداری کارخانه را به اشغال خود در آورده و اعلام نمودند که تا عقب نشینی کار- فرما به تحصن ادامه خواهند داد.

از دیگر خواسته های متحصنین افزایش دستمزدها بود که مدتها بود مدیریت این مجتمع صنعتی با آن مخالفت می کرد. با آغاز تحصن کارگران، تولید به کلی متوقف و صدها مامور پلیس کارخانه را محاصره کرده و از بیوستن کارگران دیگر بخشها به اعتصابیون جلوگیری نمودند. به رغم تمام این اقدامات، هرروزه بیش از ۲ هزار کارگر در بیرون کارخانه تجمع کرده و خواهان رسیدگی به خواسته های خود بودند. مدیریت کارخانه که در آغاز گمان می کرد با بی- اعتنائی می تواند کارگران را به سر کار باز گرداند، با طولانی شدن این تحصن، سیاست سرکوب آشکار را در پیش گرفت و به بهانه وحشت و نگرانی سرمایه گذاران خارجی از این اوضاع بی ثبات، از مقامات دولت خواست که متحصنین را به خانه های خود روانه کنند. در همین راستا روز ۶ ژوئن، نزدیک به ۴ هزار مامور پلیس تا دندان مسلح به تحصن کارگران

یورش برده و آنان را به زور متفرق ساختند. بیش از ۲۵۰ نفر از کارگران، که دست به مقاومت زده بودند، توسط ماموران پلیس مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند. به رغم خاتمه تحصن کارگران، این اما پایان کار نبود. روز ۷ ژوئن بیش از ۵ هزار کارگر در اعتراض به یورش وحشیانه پلیس به متحصنین دست از کار کشیده و ضمن راه پیمائی در خیابانهای شهر Ulsan خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شدند. کارگران اعلام نمودند که تا تحقق خواسته های خود به مبارزه ادامه خواهند داد.

### \* مبارزه برای آزادی

### "مومیا ابو جمال" ادامه دارد!

روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ ماه می، هزاران نفر در چند ایالت مختلف آمریکا و شهرهای مختلف در کوبا، اسپانیا، فرانسه، کانادا، ایتالیا، دانمارک و آلمان به خیابانها آمده و بابرپائی تجمعات اعتراضی و راه پیمائی خواستار آزادی فوری مبارزسیاهپوست مومیا ابوجمال شدند که به اتهام ساختگی قتل یک مامور پلیس در واقع به دلیل مبارزات سیاسی خود در "راهروی مرگ" زندان فیلادلفیا در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می برد. روز ۱۲ می تنها در کوبا نزدیک به ۲۰ هزار نفر در خیابان های شهر Bahia Honda راه پیمائی نموده و با تجمع در مقابل کنسولگری آمریکا، اتهام مومیا ابوجمال را سیاسی دانسته و خواستار آزادی فوری وی شدند. از سوی دیگر در این ۳ روز میدان مرکزی شهر فیلادلفیا نیز شاهد تحصن ۳ روزه صدها نفر در چادر بزرگی بود که از سراسر آمریکابه آنجا آمده و ضمن توضیح واقعیات به بازدید کنندگان، خواستار آزادی فوری وی شدند.

### (( شورش نه، گام های سنجیده ))

پیرومون ضرورت سازماندهی و بسیج توده ای علیه سرمایه داری جهانی

اعتراضات جهانی علیه سرمایه داری و سیاست های اقتصادی ارگانها و نهادهای امپریالیستی روز به روز گسترش کمی و کیفی می یابد. تظاهرات چند هزار نفره سیاتل، به تظاهرات بیش از ۵۰ هزار تن در شهر کبک - کانادا گسترش یافت.

گسترش مبارزات فوق، سازماندهی و بسیج نیرو و همچنین مبارزه ای پی گیر و سنجیده را به یکی از دغدغه های نیروهای کمونیست، چپ و رادیکال اروپا و آمریکای شمالی است. اخیراً، کمیته ای متشکل از نمایندگان احزاب، سازمان ها و گروه های دست اندرکار در اعتراضات فوق، طرحی تحت عنوان "شورش نه، گام های سنجیده" ارائه داده اند که طی آن خواهان بسیج کارگران، ضرورت هدفمند بودن مبارزات و گسترش اعتراضات گشته اند. هم- چنین از اتحادیه های کارگری، احزاب و سازمانهای کمونیست، رادیکال و چپ دعوت به عمل آمده است تا رسالت خود را در سمت و سو دادن به مبارزات پیشروی ایفا نمایند. در همین راستا، تلاش هایی از سوی نیروها و جریانات کمونیست، انقلابی و رادیکال در کشورهای انگلیس، ایتالیا، اسپانیا و هلند جهت تشکیل بلوکی از نیروهای ضد سرمایه داری و رادیکال در جریان است.

در هلند، در نیمه دوم ژوئن، بیش از ۲۵۰ تن از فعالین سیاسی کمونیست، رادیکال و مترقی این کشور طی یک سمینار یک روزه، آمادگی خود را برای شرکت فعال در این گونه اتحادها اعلام داشته و سازماندهی و بسیج نیرو در سطح هلند برای شرکت در حرکات مشابه را در دستور کار مشترک خود قرار دادند تا بدین وسیله در جریان هدفمند کردن این روند، نقشی فعال ایفا کنند.

### نتایج اقتصادی انتخاب مجدد خاتمی

هفته گذشته دولت و مجلس به اجرا در آید، تعداد بیکاران ایران رقمی حدود ۴۰ درصد نیروی فعال جامعه تخمین زده می شود. هر سال بیش از نیم میلیون نیروی کار جوان هم وارد بازار کار می شوند، اگر بنا باشد چند میلیون نیز شغل خود را از دست بدهند، جز فاجعه نام دیگری بر آن نمی توان گذاشت. هم اکنون طبق آمار دولتی، حدود ۴۰ درصد مردم ایران در فقر مطلق به سر می برند، با حذف سوبسید ها و تورم ۴۰۰ درصدی، چند میلیون نفر از مردم ایران از هستی ساقط خواهند شد؟ در هر صورت، جمهوری اسلامی برای ادامه حیات راهی جز انجام این سیاستها ندارد. و با آهنگی که شرایط سیاسی، اجتماعی به او اجازه دهد، این سیاست ها را عملی خواهد ساخت. نتیجه برای ادوئی کار ایران جز فاجعه چیز دیگری نیست. اما علیرغم تحمیل این شرایط فاجعه بار به کارگران و زحمتکشان، بنابه عللی که بر شمریم، با وجود حکومت اسلامی، و در چهار چوب نظام سرمایه داری، غیر متحمل است که مسائل اقتصاد ایران پاسخی میان مدت و یا حتی کوتاه مدت بگیرد و لحظه ای حکومت رابه حال خود بگذارد. اقتصاد ایران راه حل سرمایه دارانه نمی پذیرد بلکه نیازمند تحولاتی بنیادی و انقلابی است.

ایران را در اختیار دارد. بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد شهید، آستان قدس رضوی و بنیاد ها و نهادهای مشابه، صدها کارخانه، موسسه کشاورزی بزرگ، موسسات تجاری و مالی را در تملک دارند و هر یک به صورت یک دولت خودمختار با ضوابط و روابط خاص خود عمل می کنند.

سیاست "آزادسازی اقتصادی" در دهها کشور جهان به اجرا گذاشته شده و نتایج فاجعه باری برای کارگران و زحمتکشان در برداشته است. بیکاری گسترده، بالا رفتن قیمت ها، تنزل سطح بهداشت و درمان نتایج بلا فصل آن بوده اند. هر چند که در برخی از این کشورها پس از دوره ای به رشد اقتصادی موقت و ایجاد اشتغال نسبی نیز انجامیده است. در ایران، در همان محدوده ای که این سیاست از دوران رفسنجانی به مرحله اجرا در آمد، توده های مردم نتایج فاجعه بار آن را در عمل دیده اند و حال تازه پس از نزدیک به ۱۲ سال، در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، از تورم ۴۰۰ درصدی در سال های آینده، افزایش ۲ میلیون نیروی "مازاد" بخش دولتی و شاید به همین میزان از کارخانه های که به بخش خصوصی واگذار می شوند و یا تعطیل می گردند، به ارتش بیکاران سخن می رود.

در شرایط کنونی بدون اینکه مصوبات دو سه

## گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

توضیح کوتاهی بر ستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده.

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، به معنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار می‌باشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم می‌گیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه‌ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است. نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت‌هایی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکل‌های دموکراتیک دریافت می‌کند، انتخاب کرده و آنرا به چاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً به معنی تأیید مواضع نویسندگان نامه و یا تشکلها نمی‌باشد.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند درخواست می‌کنیم نامه خود را اگر تایپ نمی‌کنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی.

.....

\* نوشته‌ای با عنوان "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است؟" با امضاء "جهان" به دستمان رسیده است. در این نوشته ضمن اشاره به فعالیت گروه‌های سیاسی پراکنده در راه "منافع زحمتکشان" و "عدالت اجتماعی"، گفته شده است که از این تلاش‌ها "نتایج قابل قبولی" حاصل نشده است و در همین رابطه بر ضرورت اتحاد نیروهای که "به مبارزه طبقاتی پشت نکرده‌اند" تأکید شده است. در این زمینه از جمله چنین گفته شده است "... در درجه اول روشنفکران انقلابی که در پراکندگی بشدت هولناکی بسر می‌برند باید به خود آمده و از این پراکندگی خود را نجات دهند. و باید به این مسئله توجه داشته باشند کسی که شعار وحدت و اتحاد زحمتکشان را می‌دهد در درجه اول باید خودش در جهت آن اقدام نماید."

نویسنده همچنین ضمن اشاره به این موضوع که فعالیت گروه‌های سیاسی انقلابی کوچک به‌جائی نخواهد رسید، در مورد تحركات بورژوازی اپوزیسیون جهت به دست گرفتن قدرت چنین نوشته است:

"نیروهای سرمایه داری مانند سلطنت‌طلبان و برخی از گروه‌های به اصطلاح ملی داخل ایران و به خدمت گرفتن بعضی از سازمانهای سیاسی که روزی مدعی دفاع از کارگران و زحمتکشان بوده و حالا مابوس و ناامید از مبارزات خلق مرعوب جبهه پرزرق و برق سرمایه‌داری شده‌اند رو به انسجام و هماهنگی می‌روند و باشعارهای مردم‌پسند ماهیت خود را استتار کرده و با فریب مردم در جهت به دست گرفتن قدرت هستند." آنگاه در مورد "مبرم‌ترین وظیفه" نیروهای انقلابی گفته شده است "... مبرم‌ترین وظیفه تمامی نیروهای انقلابی که خود را مدافع واقعی کارگران و زحمتکشان می‌دانند اینست که نظرات خود را پیرامون وحدت عمل و یا تشکیل یک شورای انقلابی یا جبهه انقلابی جدای از چار چوب‌های فعلی اعلام دارند."

و در ادامه خطاب به نیروهای انقلابی آمده است که کارگران و زحمتکشان از "اتحاد عمل و وحدت‌ها" استقبال می‌کنند. "و در صورت حضور فعال و هماهنگ نیروهای انقلابی به سمت آنها خواهند آمد. ولی تا زمانیکه اینقدر ضعیف و بی صدا هستند، هیچگونه اعتمادی به آنها ندارند و در نهایت برای رهایی از این وضعیت به شدت زجرآور و اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی به دنبال دیگران کشیده شده و همان می‌شود که نباید بشود."

\* کانادا: نوشته دیگری با امضاء "محمد" و با عنوان "در کجای این کره خاکی ایستاده ایم؟" برایمان فرستاده شده است. در این نوشته نیز ضمن اشاره به روند رو به‌علاء جنبش و نزدیک تر شدن لحظات "سرنوشت ساز" از یکسو به موقعیت و پراکندگی کمونیست‌ها و نیروهای چپ انقلابی و وظیفه آنها در غلبه بر این پراکندگی، پرداخته شده است از سوی دیگر به کوشش‌ها و تبلیغات بورژوازی اشاره شده و به‌طور مشخص تر نکاتی در مورد حکومت آلترناتیو بیان شده است.

در این زمینه از جمله چنین آمده است: "... بورژوازی نهادها و شخصیت‌های خودش را امثال داریوش فروهر و مصدق و بعضاً گنجی به نسل جدید حقنه کرده است. چرا؟ جوابش آسان است. بورژوازی آلترناتیو حکومتی خودش را دارد، تعریف شده و مشخص با سالیان سال تجربه پیشش و از طریق هزاران وسیله ارتباط جمعی تبلیغش می‌کند. ما کمونیست‌ها آلترناتیو مان چیست." نویسنده مقاله تأکید نموده است که آلترناتیو کمونیست‌ها بایستی "روشن" و "قابل فهم" باشد و در همین زمینه به تلاش‌های سازمان ما، اتحاد فدائیان کمونیست و هسته اقلیت اشاره نموده و گفته شده است که این سه جریان از شوراها، حکومت شورائی و قدرت شوراها صحبت می‌کنند، آنگاه ضمن طرح پاره‌ای ایرادات و انتقادات در این مورد، به‌طور مشخص از صدور اطلاعیه مشترک اتحاد فدائیان کمونیست با حزب توده و اکثریت شدیداً انتقاد شده و این اقدام، حرکتی راست‌روانه تلقی شده است. در مورد حکومت شورائی نیز گفته شده است "... تعریف کلی از حکومت شورائی هیچگونه راهنمایی برای سیاست خارجی، مسئله اقلیت‌های قومی، زمین، مذهب، نقش دولت و حتی خانواده به‌طور کلی نمی‌دهد. این مسائل مبهم و تعریف نشده مانده‌اند. در آینده شوراها چه سیاستی را برای برخورد با این‌گونه مسائل پیش خواهد گرفت."

نویسنده مقاله همچنین خطاب به سازمان‌های یاد شده به‌ویژه سازمان ما و تلاش‌هایی که برای فائق آمدن بر پراکندگی موجود به عمل می‌آورد چنین نوشته است "... اخیراً با طرحشان برای فائق آمدن بر این انشقاق باردیگر نشان دادند که از بالای سر همه می‌خواهند صحبت کنند. طرح می‌دهند و می‌خواهند که همه زیر پرچم آنها جمع شوند به جای اینکه طرحی راجعت بحث و گفتگو ارائه دهند، طرح را کامل می‌دانند و می‌خواهند آنرا بپذیرند و زیر علم آنها سینه بزنند." که این قضاوت مطلقاً قضاوت نادرستی است. ما به این دوست عزیز پیشنهاد می‌کنیم مقالاتی را که در این زمینه در نشریه کار به چاپ رسیده است اگر تا کنون مطالعه نکرده‌اند، آنها را بخوانند و اگر خوانده‌اند، یک بار دیگر و با دقت مطالعه بفرمایند. ما همواره بر تلاش‌های جمعی، بر اشتراک نظر جمعی و توافق جمعی تأکید داشته‌ایم و داریم. اخیراً نیز در فعالیت‌های عملی و نظری به منظور راه‌گشائی بر آئتلاف و اتحاد کمونیست‌ها و نیروهای چپ

انقلابی بر همین نکات پای فشرده‌ایم. در ضمن پلاتفرمی که در همین زمینه از سوی سازمان ما انتشار یافته است، یک پلاتفرم پیشنهادی که اتفاقاً بر خلاف نظر نویسنده، برای بحث و بررسی ارائه شده است. در زمینه حکومت شورائی و یا دولت شورائی نیز که ما و بسیاری از کمونیست‌ها و چپ‌های رادیکال و انقلابی از آن دفاع می‌کنیم، آنچه را که به‌طور خلاصه در جواب این دوست عزیز می‌توانیم بگوئیم اینست که حکومت شورائی یا دولت شورائی، دولت نوع جدیدی است که با دولت‌های پیشین (بورژوازی) ماهیتاً متفاوت و از لحاظ آماج‌ها و وظائف، درمقابل آن قرار دارد. مطالعه دقیق تر مقالات فراوانی که در همین زمینه در نشریه کار به چاپ رسیده است، بدون شک به دریافت روشن ماهیت و مضمون حکومت شورائی کمک می‌کند. اضافه بر آن مختصات این حکومت و وظائف و اقدامات آن، در برنامه عمل سازمان فدائیان (اقلیت) برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی، به تفصیل بیان شده است، که مطالعه آن را به این دوست عزیز توصیه می‌کنیم.

\* ترکیه: رفیق گرامی، م - مقاله‌ای را که پیرامون ایجاد موانع بر سر راه تولید مواد غذایی و کشاورزی نوشته بودید و نیز "زهر خانم کارگروغن نباتی جهان" که در آن بخشا محیط کارخانه و مشکلات کارگران، به‌ویژه کارگر زن، توصیف شده بود، و بالاخره شعری را که درسوگ رفقارضانصیری مقدم، افسانه‌اسدیان و فرزندانشان سروده و ارسال کرده بودید دریافت کردیم و از آنها استفاده خواهیم کرد. با سپاس فراوان، در زیر قسمت‌هایی از "زهر خانم کارگروغن نباتی جهان" را با هم می‌خوانیم. "... هوای این سالن چقدر دم کرده و کثیف و گرم است. از ۱۲ هواکش این سالن ۱۰ تا از کار افتاده است و فقط ۲ تا از آنها آرام آرام کار می‌کنند ولی قدرت جابجائی هوا ندارند. حاج آقا سبزواری توی اتاقش جلو کولر گازی نشسته و در جواب سوال جواد آقا که رفته بود و به گرمای سالن اعتراض کرده بود و گفته بود که با تعمیر هواکش‌ها کارائی کارگر بالا میره و خودبخود سود به حساب خود حاج آقا میره به جواد آقا گفته بود: ای بابا شما چقدر ایراد می‌گیرید، مسائل تابستون که هوا گرم نیست، این کارگرای مفت خور چی میگن؟ گرمه، گرمه. عادت به بگین از زیر کار می‌خواین دربرین، عادت به خوردن نون مفت کردین. ... بدتر از همه این روسری و روپوش سورمه‌ای گرم و بد رنگه که گرمای هوای اینجارو ۱۰۰ برابر کرده. زیر روپوشم از دانه‌های عرق روی بدنم رودخونه راه افتاده ولی زن حاج آقا سبزواری که دیروز آمده بود دنبال حاجی از پشت فرمان بنز کولر داش که پیاده شد اصلاً گرمش نبود روپوشش تا روی دماغش پائین آمده بود تازه تو محوطه کارخونه به زهرای بدبخت که ۴ تا تارمواش از زیر روسری پیدا بود گفت: دختر از خدا و رسول نمی‌ترسی که موها تو جلو مردها نمایش میدهی؟ بکش پائین اون حجابتو." با سپاس مجدد از شما جهت ارسال مطالب و به امید پیروزی کارگران.

\* هلند: دوست عزیز، ف. ج - نامه شما را دریافت کردیم. نام و آدرس شما راجعتاً تا اوم ارسال نشریه، در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم. نشریه کار مرتباً به آدرس شما ارسال می‌شود. پیروز باشید.

**اتحاد، همبستگی و استمرار مبارزاتی کارگران چیت ری،**

**سرمایه داران را به عقب نشاند!**

کارگران با سر دادن شعارهایی علیه بنیاد مستضعفان و در اعتراض به واگذاری کارخانه به بخش خصوصی، همچنان بر مطالبات خویش پای فشردند و در جریان درگیری و زد و خورد با نیروهای ضد شورش، نرده های مجلس را نیز از جای کردند. مرتجعین که شاهد مقاومت و روحیه بالای اعتراضی کارگران بودند، برای آرام ساختن کارگران و منصرف ساختن آنان از ادامه مبارزه، سرحدی زاده یکی از نمایندگان مجلس را به جمع کارگران فرستادند. نامبرده نیز در جمع کارگران حاضر شد و با زهم به سیاق همیشگی و مانند سایر مزدوران و وابستگان به رژیم، با وعده و وعید از کارگران خواست دست از تحصن بردارند و به اجتماع اعتراضی خود پایان دهند. اما کارگران از مدت ها قبل آموخته بودند که نباید به این وعده ها توجه و اعتماد کنند و نکردند. مبارزه کارگران همانطور که خود، قبلا هم گفته بودند ادامه یافت. انبوه عظیمی از کارگران چیت ری روز بیست و سوم خرداد برای دومین بار در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و مطالبات خود را تکرار کردند.

در همین روز ۴۷۵ کارگر کفش شادان پور نیز برای چندمین بار دست به اعتراض زده بودند و ضمن مسدود ساختن جاده قدیم کرج، خواستار ضمانت شغلی و پرداخت ۱۰ ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. کارخانه کفش شادان پور نیز زیر پوشش بنیاد مستضعفان است. کارگران این کارخانه که شنیده بودند رفقای کارگر خود در کارخانه چیت ری در برابر مجلس دست به تحصن و تجمع اعتراضی زده اند، در ادامه اقدامات اعتراضی خود، به سمت مجلس دست به راهپیمایی زدند و از ساعت ۹ صبح روز بیست و سوم خرداد به کارگران چیت ری در جلو مجلس پیوستند و نمونه دیگری از اتحاد و برادری کارگری خویش را به نمایش گذاشتند. این کارگران تهدید کردند که چنانچه به مطالبات آنها پاسخ مناسب داده نشود، بعد از مجلس در برابر محل اقامت خامنه ای تجمع اعتراضی برپا خواهند کرد!

اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران، رژیم ضد کارگر و عمل آن را شدیداً به وحشت انداخت، مجلس و کمیسیون کار آن به همراه هیئت وزیران، راهی نداشتند جز آنکه برسر رسیدگی به وضعیت کارگران چیت ری به توافق برسند و قول دادند که به زودی حقوق های معوقه آنان توسط بنیاد مستضعفان پرداخت می شود. اما چند روز بعد یعنی روز دوشنبه بیست و هشتم خرداد که مدیر عامل بنیاد در محل کارخانه حاضر شده بود، بجای پرداخت حقوقهای معوقه کارگران، با زهم به بهانه تراشی پرداخت، به دنبال امتناع مدیر عامل بنیاد از پرداخت حقوق و مزایای معوقه کارگران، روز بیست و نهم خرداد ماه باریگر کارگران که دیگرگاسه صبر آنها لبریز شده بود، در برابر ساختمان مرکزی بنیاد دست به تجمع اعتراضی زدند. بیش از ۱۲۰۰ تن از کارگران مبارز چیت ری، از صبح زود ساعت ۶/۵ با ۲۰ دستگاه اتوبوس، به تدریج خود را به محوطه مقابل بنیاد واقع در میدان اورژانس رساندند. علی رغم حضور وسیع نیروهای انتظامی و ضد شورش، کارگران خشمگین با شکستن در ورودی اصلی بنیاد و جابجا

کردن کیوسک نگهبانی، خود را به داخل محوطه رساندند. کارگران مبارز چیت ری در جریان این اقدام اعتراضی خود، آن تعداد از نیروهای سرکوب را که جرات کرده بودند به کارگران حمله کنند حسابی گوش مالی دادند. کارگران با سردادن شعارهایی علیه بنیاد مستضعفان و مسئولین آن، نسبت به سیاست واگذاری کارخانه چیت ری به بخش خصوصی و نیز به خطر افکندن آینده شغلی خود شدیداً اعتراض کردند و همچنان خواستار تحقق مطالبات خویش شدند. حوالی ساعت ۱۰ صبح، وقتی که معاون بنیاد می خواست وارد محوطه و ساختمان بنیاد شود، از سوی کارگران شناسائی گردید و کتک جانانه ای نیزنوش جان کرد. حرکت اتومبیل پلیس که به قصد خارج کردن وی از محل درگیری که خود را به این محل نزدیک ساخته بود، به ابتکار کارگران خنثی گردید. بدین ترتیب بنیاد مستضعفان و مسئولین آن، سرانجام در برابر اراده مبارزاتی و بیگارمستمر کارگران مجبور به عقب نشینی و تسلیم شدند و به خواست کارگران تمکین نمودند. بنیاد مستضعفان پذیرفت که: صاحبان جدید کارخانه فاقد صلاحیت اداره کارخانه اند و برکنار می گردند و دیگر حق ورود به کارخانه را ندارند. مسوولیت و سرپرستی امور کارخانه بر عهده بنیاد است، حقوق معوقه کارگران فوراً پرداخت شود و روند تولید کارخانه ادامه یابد. کارگران مبارز چیت ری که از قبل، خود را آماده کرده بودند چنانچه بنیاد با زهم از پذیرش مطالباتشان امتناع کند، تا حصول نتیجه قطعی در محل به تحصن و تجمع اعتراضی ادامه دهند و از همین رو برای این موضوع نیز خود را آماده کرده و تدارکات لازم را دیده بودند و با خود آب و چای و غذا آورده بودند، پس از قبولاندن مطالبات خویش، توسط اتوبوس هایی که برای انتقال کارگران آماده شده بود، محوطه راترک کرده و سرشار از احساس پیروزی به کارخانه برگشتند. مبارزات شورانگیز کارگران چیت ری، از زمان واگذاری این کارخانه به ویژه از اوائل سال جاری، و استمرار آن تا لحظه عقب نشاندن سرمایه داران و تحقق مطالبات خویش، به راستی تحسین برانگیز است. به رغم تمام تهدیدات و اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه کارگران، به رغم تمامی تمهیدات کارفرمایان و نهادهای وابسته به رژیم برای فرسوده کردن و درهم شکستن روحیه کارگران و به رغم تمام تلاش هایی که جهت ایجاد پاس و نومییدی و ایجاد تفرقه در صفوف کارگران به عمل آمد، کارگران مبارز چیت ری با حفظ اتحاد و همبستگی خود، در برابر تمامی این ترفندها و ناملامبات ایستادگی کردند و به نحو تحسین برانگیزی به مبارزات اعتراضی خود آنگذر استمرار بخشیدند تا سرانجام توانستند نقشه سرمایه داران را خنثی کنند و مطالبات خود را به آنان بقبولانند!

بدون شک کارگران در سایر واحدها و کارخانه ها که شرایط کم و بیش مشابهی با چیت ری دارند، قادرند با همین شیوه، یعنی با حفظ اتحاد و همبستگی خود، با گسترش و استمرار مبارزات اعتراضی، سرمایه داران را به عقب نشینی وادارکنند و مطالبات خویش را متحقق سازند.

**امر فرمودند، مانعی ندارد، اصلاح شود!**

را اصلاح کنند. این که این اصلاحات چه بود، بماند. اما در همین حد نیز، روزی که قرار بود تصویب شود، ولی فقیه امر فرمودند، تصویب نشود و تصویب هم نشد. خامنه ای در اینجا با فرمان حکومتی خود، پوشالی بودن مجلس و نمایندگان آنرا در جمهوری اسلامی به مدعیان اصلاح طلبی نشان داد. ترجمه این ماجرا به زبان صریح خمینی چنین بود. مجلس اسلامی غلط می کند که برخلاف نظر ولی فقیه چیزی را تصویب کند. این ماجرا گذشت و دیگر چیزی خلاف نظر ولی فقیه تصویب نشد. پس از این ماجرا دیگر تمام هنر اصلاح طلبی بحث برسر این مسئله بود که آیا "منتخبین ملت" حق دارند از نهادهای تحت امر رهبری تحقیق و تفحص کنند یا نه؟ کشمکش میان دو جناح در مجلس بالا گرفت. در آخرین روزهای خردادماه، جلسه مجلس ارتجاع برای بحث و تصمیم گیری برسر این مسئله تشکیل گردید. وقتی که همه، سخنرانی های غرائی ایراد کردند و نوبت به تصمیم گیری رسید، رئیس مجلس ختم بحث را با این جمله اعلام نمود که: "به نظر من این طرح باید از دستور کار خارج شود" و خارج هم شد. او که بهتر از همه نمایندگان مجلس، ماهیت نهادی را که براس آن شسته است می شناسد و می دانست که ابتدا باید نظر ولی فقیه را در این مورد جویا شود، طرح را از دستور کار خارج کرد و سپس طی نامه ای به خامنه ای تقاضا نمود که "اجازه فرمایند با اصلاح ماده ۱۹۸ آئین نامه داخلی حق تحقیق و تفحص مجلس به صورت عام اعمال گردد." تاکید حضرتعالی بر بلامانع بودن تحقیق و تفحص در خصوص نهادهای زیر نظر رهبری موجب امتنان خواهد شد. خامنه ای در اینجا نیز برای این که بار دیگر به نمایندگان مجلس یاورمی کند که شما هیچ کاره اید و این ولی فقیه است که تصمیم نهایی را می گیرد، در نامه ای خطاب به کروبمی با تقاضای وی موافقت می کند و از جمله می نویسد "اگر مجلس محترم در حال حاضر مانع قانونی از اعمال این اصل دارد، تجدید نظر مجمع محترم تشخیص مصلحت در مصوبه قبلی خود می تواند این مانع را برطرف کند. . . . اینجانب مجوز این تجدید نظر را که قانوناً بر عهده رهبری است به آن مجمع محترم خواهم داد." تمام معضل با دستور رهبر حل شد. مجلس به فرمان وی می تواند تحقیق و تفحص را به طور عام اعمال کند. مجمع تشخیص مصلحت هم به فرمان وی می تواند در مصوبه قبلی خود تجدید نظر کند و آقای کروبمی هم از این که طرح را از دستور کار مجلس خارج کردند، مورد تشویق قرار می گیرند که: "با موضع گیری صحیح و روشنگر خود همین معنا را مد نظر داشتند. دیگر بهتر از این نمی شود ماهیت پوشالی و فرمایشی نهادهای به اصطلاح انتخابی را در حکومت اسلامی برملا کرد.

حالا اصل قضیه چه بود؟ آیا معضل اکثریت نمایندگان مجلس حکومت اسلامی کنترل و نظارت بود؟ واقعیت این است که نه، هرکس

**خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان**

در تاریخ ۲۲ خردادماه اطلاعیه «کارگران چیت ری به عنوان اعتراض زنده های مقابل مجلس را از جا کنند» انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که ۸۰۰ تن از کارگران چیت ری در برابر مجلس تجمع نمودند و زنده های مقابل مجلس را از جا کنند تا بار دیگر نسبت به عدم تحقق مطالباتشان اعتراض کنند. اطلاعیه می افزاید که کارگران چیت ری که تعدادشان به ۲۰۰۰ می رسد، چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و با خطر اخراج روبرو هستند. کارگران خواهان پرداخت حقوق معوقه و متوقف ساختن خصوصی سازی کارخانه شدند.

اطلاعیه دیگری در تاریخ ۳۱ خرداد ماه در ارتباط با تجمع کارگران تخته سه لائی ساری در مقابل استانداری انتشار یافت. اطلاعیه، ضمن اشاره به ادامه مبارزات و پیروزی های کارگران چیت ری خبر از تجمع مجدد کارگران تخته سه لائی داد. در این اطلاعیه آمده است که کارگران تخته سه لائی با تجمع مجدد خود خواهان اجرای وعده های داده شده پیشین شدند. ۲۰ ماه است که کارخانه تخته سه لائی به حالت تعطیل در آمده و حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشده است.

در همین اطلاعیه به نقل از روزنامه های رژیم گفته شده است که مردم پنج روستای یهنه کلاهی ساری با تجمع در مقابل مجتمع چوب و کاغذ مازندران خواهان آن شدند که بیکاران این روستاها بدون استثناء در این کارخانه ها مشغول به کار شوند.

**کمک های مالی رسیده**

سود	ان - الف
۱۰۰ کرون	رفیق ت
۳۰۰ کرون	نشریه کار
۲۰۰ کرون	حمید صاد
۱۰۰ کرون	ش-ب به یادر فیک جان
۳۰۰ کرون	باخته سیامک اسدیان
	استرالیا
	ش-د
۲۰۰ دلار	منصور
۲۰۰ دلار	داوود
۵۰ دلار	هامون
۲۰ دلار	هوادران - ماه آپریل
۱۰۰ دلار	

کانادا  
ونکوور ۲۰ دلار

آلمان  
هامبورگ

مازیار-د  
سهراب ۱۰۰ مارک

ت-ه  
۸ مارک

خاوران  
کامی ۵۰ مارک

علی تبریز  
مازیار ۱۰ مارک

جهانگیر-د  
رشید حسنی ۱۸۰ مارک

رحیم حسنی  
قصاب آزاد ۵۰ مارک

**سیمای واقعی دموکراسی**
**بورژوازی سوئد در روزهای ژوئن**

پلیس فدای آن روز به اوج خود رسید. به مردمی که در میدان اصلی شهر تجمع کرده بودند حمله کرد و به سوی آنان آتش گشود. لاقلا سه تن به ضرب گلوله های پلیس مصدوم شدند. سرنوشت یکی از مصدومین که وحیم اعلام شد هنوز در پرده ابهام قرار دارد.

سرکوبگری پلیس سوئد سه روز تمام ادامه یافت تا بار دیگری همگان نشان دهد که تمام بورژوازی جهان در هرکسوی با هرقد و قواره ای در دفاع از نظم سرمایه داری بیرحم و مصمم است. نشان دهد که پلیس موطن سوسیال دموکراسی هم همانند پلیس آمریکا وحشی، بیرحم و فاشیست است. نشان دهد که دموکراسی بورژوازی دیگر حتی ظرفیت تحمل اعتراض چندین هزار نفره را ندارد و ناگزیر است واقعیت دیکتاتوری بورژوازی را به نمایش بگذارد. ماجراظاهرا در سوئد به پایان رسید. اما این هنوز پایان ماجرا نیست. هم برای بورژوازی و هم مخالفین آن.

تحریکات و سرکوب گریهای پلیس سوئد و تبلیغات رسانه های بورژوازی علیه اکسیونهای مخالفین سرمایه داری و امپریالیسم، حاکی از تلاش بورژوازی برای زمینه سازی سرکوب گریهای آینده است. اکنون سران دولت های اروپایی در تلاشند، دموکراسی قلابی شان را بیشتر برملا کنند و اقدامات اعتراضی مخالفین سرمایه داری را در جریان اجلاس های سران دولت های امپریالیست ممنوع کنند. تردیدی نیست که آنها تمام تلاش خود را به کار خواهند گرفت و هرچه در این زمینه از دستشان برآید انجام خواهند داد. اما ناتوان تر و کوچک تر از آنند که بدین طریق بتوانند مبارزه ضد سرمایه داری را که دارای ریشه های عمیق اجتماعیست و موجودیتش همزاد خود نظام سرمایه داریست، ممنوع و متوقف سازند. هنوز چند روزی از اکسیونهای اعتراضی در گوتنبرگ نگذشته بود که دهها هزار تن از مخالفین سرمایه داری دربارسلون اسپانیا با سازمان-دهی تظاهراتی گسترده سران بانک جهانی را واداشتند که اجلاسشان را تعطیل کنند. این جنبش های اعتراضی علیه سرمایه داری که از هم اکنون بورژوازی جهانی را نگران کرده است، تازه مقدمه و پیش پرده ای هستند بر جنبش عظیم تر و مبارزه ای رادیکال تر در مقیاس جهانی.

**وحشی گری جدید**
**حکومت اسلامی**

اگر در ایران جامعه مدنی موعود برقرار نشد، تلاش های آقای خاتمی چندان هم بی ثمر نبود. حداقل اش این است که در این چند سال جامعه ایران، به مدینه النبی که در آن احکام اسلامی بی کم کاست اجرا می گردد و سمبل های عینی اش عربستان و افغانستان تحت حاکمیت طالبان است، نزدیک تر شده است. دلیل آن را می خواهید؟ به روزنامه های رژیم نظری بیافکنید. کمتر روزی می گذرد که خبر اعدام یک یا چند نفر منتشر نشود. زمانی بود که جمهوری اسلامی جرات آن را نمی کرد که خبر سنگسار زنی را در روزنامه های خود منتشر کند. حالا پی در پی زنان را سنگسار می کنند و خبر آن را نیز در روزنامه ها منتشر می سازند. به نام اجرای احکام خدا، زنان فاحشه را در خیابانها می ربایند و بیرحمانه به قتل می رسانند. دست می برند، به این اتهام که گرسنه ای دزدی کرده است. حالا دیگر نوبت گردن زدن با شمشیر رسیده است. چند روز پیش روزنامه های رژیم خبر دادند که دادگاهی در زاهدان حکم داده است که یک افغانی را به اتهام سرقت مسلحانه، ایجاد رعب و وحشت و تجاوز به عنف، آدم ربائی، اقامت غیر مجاز و استفاده از اسلحه غیر مجاز، در ملأ عام گردن بزنند. این حکم مورد تأیید دادگاههای بالاتر قرار گرفت و اجرا شد. آیا می توان وحشی گری و درنده خوئی را عربیان تر از این به نمایش گذاشت. یک انسان را می آورند در خیابان، عده ای را هم دور او جمع می کنند، جلد فرا می رسد و با شمشیری بران سر او را از تن جدا می کند. روزنامه های رژیم هم با آب و تاب این خبر را منتشر کردند و در این میان حتی آن مرتجعینی که از چپ و راست خود را اصلاح طلب، آزادی خواه و مخالف خشونت اعلام می کنند، حتی یک اعتراض خشک و خالی هم به صدور و اجرای این حکم وحشیانه نکردند. آنها نمی توانند این وحشی گری را محکوم کنند چرا که طرفدار حکومت اسلامی و مدینه النبی هستند که جزه لایتنجری آن اجرای احکام اسلامی ست.

**امر فرمودند، مانعی ندارد، اصلاح شود!**

در اینجا آنچه که مطرح نیست و اصولا در جمهوری اسلامی نمی تواند مطرح باشد، کنترل و نظارت و تحقیق و بررسی عملکرد ارگان ها و نهادهای دولتی و سران آنهاست. در آن نظام سیاسی می توان کنترل و نظارت برقرار کرد و عملکرد ارگان ها و نهادهای مسئولین را بررسی کرد که حاکمیت توده های کارگر و زحمتکش مردم برقرار باشد. آزادیهای سیاسی وجود داشته باشد، دین از دولت جدا باشد، سیستم انتصابی مقامات بر افتاده باشد و منتخبین در برابر مردم جوابگو باشند و هر لحظه که این مردم اراده کردند بتوانند آنها را عزل کنند. در چنین نظام سیاسی ست که می توان کنترل و نظارت را در همه سطوح برقرار نمود و نه در جمهوری اسلامی و از طریق مجلس فرمایشی و پوشالی اش.

که اندکی آگاهی داشته باشد، می داند در کشوری که دیکتاتوری عربیان حاکم است، مردم حتی از ابتدائی ترین حقوق انسانی و سیاسی خود محروم اند و کمترین نقشی در اداره امور کشور ندارند، صحبت از کنترل و نظارت، تحقیق و تفحص و امثالهم حرفی پوچ است. در اینجا تمام دستگاه استبدادی دولت غرق در فساد، سوء استفاده، دزدی و رشوه خواری ست. اگر یک جناح از حکومت بخواهد تنها یک مورد از سوء استفاده های جناح دیگر و ارگانها و نهادهای وابسته به آن را برملا کند، آن دیگری چند برابر آنرا برملا خواهد کرد. لذا چون همه در این فساد و سوء استفاده ها سهیم اند هیچیک جرات آن را ندارد که دیگری را افشاء کند. دعوا بر سر تحقیق و تفحص چیزی نیست جز یک نزاع جناحی برای این که امتیاز بیشتری از طرف مقابل بگیرند.

۱۰۰ مارک  
۲۰ مارک  
۸ مارک  
۵۰ مارک  
۱۰ مارک  
۱۰ مارک  
۱۸۰ مارک  
۵۰ مارک  
۲۵۲ مارک  
۵۷۰ مارک  
۱۰ فلورن

## سیمای واقعی دموکراسی بورژوائی سوئد در روزهای ژوئن

دموکراسی‌های بورژوائی حتی پر مدعائترین آن‌ها به رغم ادعاهای پرطمطراق شان در مورد آزادی‌های سیاسی و حقوق مردم و مخالفین، تاب تحمل هیچ مخالفت جدی ضد سرمایه داری را ندارند. این حقیقت را تمام دوران موجودیت نظام سرمایه‌داری به ویژه هنگامی که مبارزه طبقاتی کارگران به نقطه تهدید کننده ای رسیده است، آشکارا نشان داده است. پراتیک مبارزه طبقاتی در هر گام بی هیچ ابهامی این حقیقت را برملا کرده است که دموکراسی هم همچون تمام جوانب نظام سرمایه داری طبقاتی است و چیزی به عنوان دموکراسی مافوق طبقات، ناب و مختص عموم مردم وجود ندارد. دموکراسی همواره مهر طبقه ای را بر پیشانی دارد که اراده خود را بر جامعه تحمیل می‌کند و اعمال حاکمیت سیاسی می‌کند. لذا دموکراسی بدون دیکتاتوری هیچ-گاه وجود نداشته و نخواهد داشت. دموکراسی بورژوائی هم چیزی نیست مگر شیوه خاصی از اعمال اقتدار و تحمیل اراده سیاسی طبقه‌ای خاص یعنی دیکتاتوری بورژوائی. این تحمیل اراده سیاسی نیز نمی تواند اعمال شود مگر با وجود دستگای عریض و طویل از ارگانها و نهادهائی که وظیفه سازماندهی استثمار، سرکوب و تحمیل را برعهده دارند. شکل ظریف و پیچیده اعمال دیکتاتوری در جوامع سرمایه داری پیشرفته که همراه با پارلمان، حق رای عمومی و آزادی‌های سیاسی - ست، این توهم را به ویژه در میان کسانی که دیکتاتوری را با فرمانروائی یک سلطان مستبد، محرومیت مردم از حقوق سیاسی و سرکوب عربان مساوی می‌پندارند، پدید می آورد که در این جوامع آنچه که وجود دارد، دموکراسی است و از اعمال اقتدار و تحمیل اراده یک طبقه معین خبری نیست. اما این توهمات در آنجائی در هم می‌شکنند که مردم در عمل می‌بینند، پارلمان ابزار پیشبرد منافع و خواست های آنها نیست. چیزی از طریق پارلمان به نفع آنها تغییر نمی‌کند و قدرتی فراتر از پارلمان بر سر نوشت آنها حکومت می‌کند. این توهم ایضا در آنجائی در هم می‌شکند که در می‌یابند آزادی تا جائی وجود دارد که پای سوء قصد به نظم موجود در میان نباشد. آنجائی که پای هست و نیست این نظام به میان می‌آید، دیگر نه بحثی از آزادی در میان است و نه دموکراسی. بلکه قهر و سرکوب عربان است که حرف آخر را می‌زند. اما سوء قصد به نظم موجود به کنار. اکنون دموکراسی بورژوائی در چنان

موقعیت و جایگاه تاریخی قرار گرفته که دیگر نمی تواند هیچ مبارزه و اعتراضی را فراتر از چارچوب نهادهای قانونی تحمل کند. حتی هنگامی که دستگاه پلیس سیاسی بورژوائی مجوز صدور مبارزه‌ای مسالمت آمیز را در خارج از پارلمان صادر می کند، همین که اندکی احساس خطر کرد، لحظه‌ای درنگ نمی کند. به تالانگری و سرکوب روی می آورد و به نام حفظ تمدن، بربریت را به نمایش می گذارد.

وحشی‌گری پلیس سوئد در اواسط ماه ژوئن در گوتنبرگ، تنها گوشه کوچکی از سیمای واقعی دموکراسی بورژوائی را برملا کرد. در اواسط ماه ژوئن، همزمان با اجلاس سران دولتهای اروپائی و اجلاس مشترک آنها با دلبیو بوش نماینده انحصارات آمریکائی، هزاران تن از انسانهایی که هریک به نحوی با سرمایه داری و امپریالیسم مخالفند، از جمله از میان اعضای اتحادیه های کارگران، سازمان‌های کمونیست، گروههای انارشیست، مدافعین حقوق زنان، طرفداران محیط زیست، مخالفین نژاد پرستی، مخالفین سیاست های نئولیبرال، مخالفین اتحادیه اروپا و غیره، از سراسر جهان در گوتنبرگ گرد آمدند تا با برپائی راهپیمائی‌ها، میتینگ و تظاهرات، اعتراض خود را نسبت به نظم موجود ابراز دارند. به رغم این که سازمان دهندگان این اعتراضات از قبل مسالمت‌آمیز بودن این اعتراضات را اعلام کرده بودند و با وجود این که دولت سوئد نیز مجوز برگزاری این آکسیون‌ها را صادر کرده بود، معهذاً سرمایه داران و دولتهای آنها یک اعتراض چند ده هزار نفره را تحمل نکردند. از چند روز پیش از اجلاس سران، پلیس اسکاند-بناوی به ویژه سوئد و دانمارک، عملیات سرکوبگرانه خود را آغاز نمودند. اقدامات امنیتی شدیدی در مرزها و فرودگاه‌ها به مرحله اجرا درآمد. پلیس سوئد از ورود افرادی که نامطلوب تشخیص می‌داد، به این کشور جلوگیری نمود و آنها را از مرز برگرداند. اما تدارک یک سرکوب همه جانبه در داخل سوئد در جریان بود. دولت سوئد، نیروی سرکوب خود را به حالت آماده باش در آورده بود و چند هزار پلیس برای سرکوب سازماندهی شدند. تحریکات پلیس که از قبل آغاز شده بود، در نخستین روز، با حمله به یکی از مراکز سکونت مخالفین در یک مدرسه ابعاد نوینی به خود گرفت. پلیس درگیری را آغاز نمود و در همان روز صدها تن مصدوم و دستگیر شدند. وحشی‌گری

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

**آلمان**  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071 , Wien  
Austria

**دانمارک**  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M . A . M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecourbe  
75015 Paris  
France

**هلند**  
P . B . 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)  
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaians-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaians-minority.org



Organization Of Fedaians (Minority)

No.361 juni 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی